



## الگوی حکمرانی خوب از دید اتحادیه اروپا؛ موانع و چالشها

محمدسعید تبرزد

### چکیده

پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای غربی در پی ترمیم خرابی ها و توسعه کشورهای آسیب دیده از جنگ برآمدند. در این زمینه، سه رهیافت مطرح شد: رهیافت دولت بزرگ، رهیافت دولت کوچک، و الگوی حکمرانی خوب. برای اعمال حکمرانی خوب، نهادهای بین المللی شاخص هایی را مطرح کردند. هر اندازه کشوری به این شاخص ها نزدیک تر باشد توسعه یافته تر به حساب خواهد آمد. از دید اتحادیه اروپا حکمرانی خوب مسئولیت اداره منافع و منابع عمومی را بر عهده دارد در شورای اروپا اصول حکمرانی خوب از دید این اتحادیه در ۱۲ بند تعیین گردید و با تصمیم کمیته وزرای شورای اروپا از سال ۲۰۰۸ در استراتژی نوآوری و حکمرانی خوب در سطح دولت های محلی گنجانده شد این اصول موضوعاتی مانند رفتار اخلاقی، حاکمیت قانون، کارایی و اثربخشی، شفافیت، مدیریت صحیح مالی و پاسخگویی را در بر می گیرند همچنین اتحادیه اروپا ابزارهایی برای کمک به مقامات محلی و در مواردی مقامات مرکزی برای رعایت این اصول و در نتیجه ارائه خدمات بهتر به شهروندان ایجاد نمود. لیکن در حال حاضر با گسترش اتحادیه به سمت شرق، تنش های اجتماعی، افزایش قطبش سیاسی و فرسایش دموکراسی، کیفیت حکمرانی در این اتحادیه را تهدید می کند. هدف از این تحقیق بررسی الگوی حکمرانی خوب از دید اتحادیه اروپا و موانع و چالشهای پیش روی این اتحادیه و تاثیر این چالشها بر آینده این نهاد با روش توصیفی-تحلیلی است.

کلیدواژگان: حکمرانی خوب، اتحادیه اروپا، تنش های اجتماعی. فرسایش دموکراسی، قطبش سیاسی

## EU good governance model; barriers and challenges

### Abstract

After World War II, Western nations sought to repair the devastation and development of war-affected countries. In this context, three approaches were outlined: the big government approach, the small government approach, and the model of good governance. International institutions have put forward indicators for good governance. The closer a country is to these indicators, the more developed it will be. Good Governance – the responsible conduct of public affairs and management of public resources – is encapsulated in the Council of Europe 12 Principles of Good Governance. The 12 Principles are enshrined in the Strategy on Innovation and Good Governance at local level, endorsed by a decision of the Committee of Ministers of the Council of Europe in 2008. They cover issues such as ethical conduct, rule of law, efficiency and effectiveness, transparency, sound financial management and accountability. The EU has also provided tools to assist local authorities and, in some cases, central authorities, to comply with these principles and thus to provide better services to citizens. However, the Union is expanding eastwards, increasing social tensions, increasing political polarization and Democracy erosion threatens the quality of governance in the union. The purpose of this research is to examine the pattern of good governance from the perspective of the European Union and the obstacles and challenges facing the union and the impact of these challenges on the future of this institution in a descriptive-analytical way.

**Keywords:** Good governance, European Union(EU), social tensions. The erosion of democracy, the political polarization.

سیستم حکمرانی، چارچوبی است که فرایند متکی بر آن است. بدین معنی که مجموعه ای از توافقات، رویه ها، قراردادهای و سیاستها مشخص می کنند که قدرت در دست چه کسی باشد، تصمیمات چگونه اتخاذ گردند و وظایف چگونه انجام و ادا شود. مفهوم حکمرانی را می توان در سطوح مختلفی چون سطح جهانی، ملی، سازمانی و جوامع محلی مورد استفاده قرار داد. امروزه پارادایم «حکمرانی خوب» یک شیوه رایج و مسلط برای اداره جامعه در سطح جهان بوده و متفاوت از دولت و حکومت است. در این نوشتار، ابتدا «حکمرانی خوب» و شاخص های آن از دید اتحادیه اروپا را بیان نموده و سپس به بررسی چالشهای این اتحادیه در زمینه حکمرانی می پردازیم.

## ۲- سوال تحقیق:

این پژوهش بدنبال یافتن پاسخ جهت این پرسش است که الگوی حکمرانی خوب از منظر اتحادیه اروپا چیست؟ و آیا این الگو در اجرا موفقیت آمیز بوده است یا خیر؟

## ۳- هدف و ضرورت تحقیق:

در سه دهه اخیر مطالعه پارادایم حکمرانی خوب مورد توجه پژوهشگران علوم انسانی بوده است دیوف و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) در گزارشی که به بانک جهانی انجام ارائه دادند به بررسی اثرات حاکمیت نامطلوب بر تأخیر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه پرداختند. در این گزارش، که ناشی از نگرانیهای مربوط به رابطه توسعه، دموکراسی و موضوعات متنوع اجتماعی می باشد، مفهوم حکمرانی خوب مطرح گردیده است. نتایج گزارش بر این موضوع استوار است که ضعف در بکارگیری و عملی نمودن اصول حکمرانی خوب، یکی از مهمترین موانع رشد و توسعه در کشورهای آفریقایی می باشد بانک جهانی بر اهمیت حکمرانی خوب بر توسعه کشورها تأکید نموده و حکمرانی را به عنوان شیوه اعمال قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور برای توسعه تعریف نموده است. (بانک جهانی ۱۹۹۴) ۲ در الگوی حکمرانی، دولت باید سیاست گذار و تعیین کننده خط مشی های کلی باشد و براساس چارچوب حقوقی، محدوده عمل سیاسی را تعیین کند، بخش خصوصی تولید ثروت را سرلوحه خود قرار دهد و جامعه مدنی، از طریق بسیج عمومی برای مشارکت در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، ارتباط متقابل میان جامعه و دولت را تسهیل کند. باتوجه به ضرورت بررسی مسائل مربوط به حکومتها و نحوه عمل و تصمیم گیری تصمیم گیران کشورها و تأثیر اینگونه عوامل بر رشد و توسعه کشورها، سنجش حکومتها و تعیین معیار و شاخص برای این سنجش، براساس الگوهای مطرح در علوم انسانی، ضروری به نظر می رسد. یکی از بهترین الگوهایی که باتوجه به شاخصه های آن می توان برای حکمرانی معیار سنجشی فراهم ساخت الگوی حکمرانی خوب است. اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۸ الگویی برای حکمرانی خوب برای کشورهای عضو این اتحادیه معرفی نمود بررسی این الگو و میزان موفقیت آن بعد از ۱۱ سال می تواند در مطالعه کارامدی الگوهای حکمرانی حائز اهمیت باشد.

## ۴- پیشینه تحقیق:

حکمرانی خوب در ابتدا رویکرد اقتصادی داشت؛ یعنی هدف از شکل گیری آن توسعه اقتصادی بود (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳، ص ۲۶). سپس با توجه به اینکه دولت به عنوان یکی از عناصر حکمرانی خوب، در میان مجموعه عناصر آن، باید قوی و با کیفیت ظاهر شود، رویکرد سیاسی نیز پیدا کرد. در زمینه توسعه اقتصادی، سه دیدگاه وجود دارد: دیدگاه دولت بزرگ، دیدگاه دولت کوچک و الگوی حکمرانی خوب. اینک هریک از این دیدگاه ها بررسی می شود:

<sup>1</sup> Diouf et al., 1989

<sup>2</sup> development in practice, governance, the world bank experience

#### ۴-۱- دیدگاه دولت بزرگ

پس از جنگ جهانی دوم و همچنین پس از بحران بزرگ اقتصادی دهه ۱۹۲۹ (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳، ص ۲۶)، بیشتر نظریه پردازان و سیاست گذاران بر این باور بودند که تنها عاملی که می تواند از پس خرابی های جنگ و بحران و رکود اقتصادی برآمده، موجب توسعه اقتصادی شود، دولت است. از این رو، دولت همچنانکه در بعدی سیاسی تقویت می شود، در بعد اقتصادی نیز باید تقویت گردد و گسترش پیدا کند. (نادری قمی، ۱۳۹۰). این رهیافت از سال ۱۹۴۵، یعنی پس از جنگ جهانی دوم، شروع شد و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه داشت. لازم به یاد آوری است که این رویکرد بر اساس راهنمایی مشاوران و اقتصاد دانان کینزی در غرب، به اجرا گذاشته شد (نادری قمی، ۱۳۸۳، ص ۸۰).

#### ۴-۲- دیدگاه دولت کوچک

با گذشت قریب سه دهه از عمر نظریه قبل، ضعف و ناکارآمدی آن در صحنه اقتصادی آشکار شده و جای خود را به مفهوم متفاوت دیگری داده است. به عبارت دیگر، مفهوم دولت رفاه، که تلویحاً مبین نقش جامع دولت (دولت بزرگ) در اداره امور و برنامه ریزی است و جایگزین نقش اولیه گروه ها و مؤسسات اجتماعی و خصوصی گردیده، به تدریج، در حال محو شدن است و در بیشتر موارد، مشاهده می گردد که جای خود را به مفهومی متفاوت داده است (رهنورد، ۱۳۸۸، ص ۲). از جمله ناکارآمدی ها و ضعف ها، می توان به تراکم نیروی کار در بنگاه های دولتی و نیز ایجاد بازدهی نزولی این بنگاه ها اشاره کرد (نادری قمی، ۱۳۹۰). این عوامل موجب شد بیشتر آنها با زیان دهی مواجه شوند. ضعف و ناکارآمدی رهیافت دولت بزرگ راه را برای ظهور رهیافت دوم، که از آن با عناوین اقتصاد بازار، مکتب شیکاگو، و نئولیبرالیسم، اجماع واشنگتنی یا تعدیل ساختار یاد می شود، هموار ساخت. بر اساس این نظریه، دولت باید کوچک شود و نقش آن در تولید ناخالص داخلی و اقتصاد کاهش یابد. بر مبنای این نظریه، دولت باید در کارهای بازار کمتر وارد شود و بیشتر کارها را به نیروهای بازار واگذار کند. در چنین شرایطی، دیدگاه طرف داران اقتصاد بازار، که خصوصی سازی را یک غایت و کمال مطلوب می دانستند و خواهان کاهش سهم دولت در تولید ناخالص داخلی بودند و به قدرت بازار، انتخاب مردم، کارآمدی رقابت، و قیمت بازار اعتقاد داشتند و معتقد بودند که این شیوه می تواند جای تخصیص دولتی منابع را بگیرند، حاکم گردید. طبق این دیدگاه، بازارها بهترین نتایج را به بار می آورند و قیمت ها بهترین تخصیص دهنده منابع هستند و هر گونه دخالت دولتی برای تغییر آنچه بازارها به وجود می آورند ضدتولیدی شمرده می شود. با توجه به این رویکرد، نگاه به دولت به عنوان عامل توسعه، به جدی ترین مانع توسعه تغییر یافت (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵).

#### ۴-۳- الگوی حکمرانی خوب

در اواخر دهه ۱۹۹۰ رهیافت سومی ظهور و نمود پیدا نمود به نام رهیافت حکمرانی خوب. این رهیافت بر دو رهیافت پیشین غلبه پیدا نمود. بر اساس این رهیافت، دو رهیافت قبلی دارای اشکالات بودند. مثلاً، رهیافت اول بر تراکم نیروی کار در دولت و بازدهی نزولی تکیه داشت. (صوفی مجید پور، ۱۳۸۳ (الف)، ص ۱۴) همچنین وجود همزمان تورم و بیکاری در اقتصاد به صورت عموم و در کشورهای غربی به صورت خاص از پیامدهای اجرای آن بود. این اشکالات زمینه شکل گیری رویکرد دوم، یعنی اقتصاد بازار و رویکرد دولت کوچک را فراهم نمود (صوفی مجید پور، ۱۳۸۳ (ب)، ص ۱۵). رهیافت دوم نیز دارای اشکالات متعددی بود. این اشکالات، از سوی کارشناسان بانک جهانی مانند جوزف استیگلیتز، معاون سابق بانک جهانی، و ناگلاس نورث، اقتصاد نهادگرا، مطرح شده اند. این اشکالات را پس از بحران شرق آسیا و تجربه نا موفق کشورهای اروپای شرقی و شوروی (سابق) و بحران های متعدد مالی در طول ۲۵ سال، بر سیاست های تعدیل وارد نمودند و ضرورت اتخاذ اجماع

پساواشنگتنی را به عنوان یک راهبرد جدید، سیاست گذاری و مطرح کردند؛ (صوفی مجید پور، ۱۳۸۳، ج ۱۶)؛ مثلاً، یکی از اشکالات بازار آزاد، حتی در رقابتی ترین اقتصادهای جهان مانند آمریکا، این است که اگر این بازار آزاد توسط دولت تنظیم نشود موجب بحران و ورشکستگی اقتصادی خواهد شد (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳، الف)، ص ۲۹. یا به گفته استریتن، بازار بدون مداخله دولت، نهادی بی رحم و ویرانگر خواهد شد (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳، ب)، ص ۳۸. در این راهبرد جدید، مسئله ابعاد دولت، یعنی کوچک سازی، نقش محوری خود را به توانمندسازی دولت داد. (صوفی مجید پور، ۱۳۸۳، د)، ص ۱۲) توانمند سازی دولت تنها از طریق کوچک سازی تحقق پیدا نمی کند، بلکه علاوه بر آن، از طریق شایسته سالاری، تمرکززدایی، همکاری و نظارت نهادهای مدنی و استانداردسازی نظام های آماری، پولی و بودجه ای تحقق پیدا می کند. (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳، ص ۲۹)

#### ۴-۴- تعریف حاکمیت و حکمرانی خوب (Good Governance)

واژه حکمرانی، واژه جدیدی است که به جای واژه قدیمی «دولت» در معنا و مفهوم بکار می رود. بانک جهانی حکمرانی را به صورت ذیل تعریف می کند: «روشی که بر اساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می شود». در فرهنگ لغت آکسفورد، حکمرانی «فعالیت یا روش حکم راندن، اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیت های زیردستان و همچنین نظامی از قوانین و مقررات» تعریف شده است. توانمند سازی دولت، مفهومی است که اخیراً وارد ادبیات توسعه اقتصادی شده و در برابر دیدگاه های پیشین توسعه، دولت بزرگ و دولت کوچک را عامل توسعه نمی داند بلکه باور بر این است که جدای از اندازه دولت، توانایی دولت در انجام وظایف محوله نقش مهمی در توسعه و پیشرفت اقتصادی دارد. دولت ها می توانند با تقویت نهادهایشان، توانمندیشان را بهبود بخشند. این امر مستلزم نهادینه ساختن قوانین و هنجارهایی است که به مقامات دولتی انگیزه می دهد تا طبق منافع جمع عمل کنند. حکمرانی خوب چهارچوبی است که به دنبال شنیدن صدای عامه مردم در تصمیم گیری ها و خط مشی گذاری دولتی است از این طریق تصمیمات بیشتر به خواست ها و نیازهای اجتماعی نزدیک می شود و تحقق آرمان دموکراسی و مشارکت امکان پذیرتر خواهد شد. مفهوم حکمرانی خوب ترکیبی از بهترین مدیریت های سیاسی، اقتصادی و اجرایی منابع کشور برای رسیدن به اهداف تعیین شده است. در این چارچوب، نهاد ها و گروه های ذینفع اقتصادی و اجتماعی می توانند راهکار ها و خواسته های مشروع و قانونی خود را در حکمرانی به کار بندند (صباغ و باسزا، ۱۳۸۸: ۴۴). چنین ادعا می شود که حکمرانی خوب محیطی مناسب برای سرمایه گذاری فراهم می کند و به درآمد بالا و کاهش فقر منجر شده، و شاخص های اجتماعی بهتری را فراهم می کند. بنابر گزارش برنامه توسعه سازمان ملل، حکمرانی می تواند به مثابه یک مرجع اقتصادی، سیاسی و اجرایی برای مدیریت امور یک کشور در کلیه سطوح عمل کند. آن به سیستم ها، فرایندها، و نهادهایی می پیوندد که شهروندان از طریق آنها منافع و علایق خود را بیان کرده، حقوق قانونی خود را اعمال نموده، تعهدات خود را ایفا کرده و تفاوت هایشان را تعدیل می نمایند. مطالعات نشانگر آن هستند که تعامل چهره به چهره، اطمینان و اعتماد حاصل از آن ظرفیت مردم را برای همکاری و مشارکت داوطلبانه افزایش می دهد. اطمینان و مشارکت داوطلبانه، با کمک به شهروندان در جهت حل مسائل مشترکشان، پایه و اساس یک حکمرانی خوب (پاسخگو و منصف) شناخته می شوند (پاتنام، ۲۰۰۰). حکمرانی خوب به معنای تمرکز بر پیامدها و نتایج سازمانها برای شهروندان و مصرف کنندگان خدمات است. عملکرد حکومت برای کسب اطمینان از این است که یک سازمان، اهداف کلی خود را برآورده کند، به نتایج مورد نظر خود برای شهروندان و کاربران خدمات دست یابد، و به شیوه ای مؤثر، کارآمد و اخلاقی عمل کند. دولتها بیشتر بر خروجی ها تأکید دارند، در حالی که در حکمرانی بر پیامدها و نتایج تأکید میشود (مقیمی و اعلائی، ۱۳۸۸). داشتن هدف سازمانی روشن و مجموعه ای از اهداف، مشخصه حکمرانی خوب است. در چنین شرایطی آگاهی مردم ارتقا می یابد و عملکرد حاکمان مورد نقد واقع می شود و دولتها ناچار به عملکرد کارا تر می شوند، و در غیر این صورت توسط آرا مردم، از چرخه قدرت حذف می شوند (سعیدی، ۱۳۸۶). هدف از حکمرانی خوب ایجاد تغییر و تحولاتی در مدیریت دولتی است که به دموکراسی و مشارکت شهروندان و همچنین توسعه اجتماعی-اقتصادی منجر شود. حکمرانی به معنای سیستمی پیچیده از تعاملات بین ساختارها، سنت ها، کارکردها و فرآیندها است که سه ارزش اصلی پاسخگویی، شفافیت و مشارکت را دربردارد (دباغ و نفری، ۱۳۸۸). حکمرانی خوب سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که به

واسطه شهروندان، گروه ها و نهادهای مدنی به منافع خود دست می یابند و تعهد ها را برآورده می کنند (ابراهیم پور و روشندل ارتباطی، ۱۳۸۷). حکمرانی خوب را می تواند نوعی رویکرد هنجاری در نظر گرفت؛ چراکه به دیگر دیدگاه های قبلی که اغلب به توصیف مفهوم حکمرانی و مدیریت دولتی می پرداختند. دستورالعمل ها و توصیه های بیشتری دارد حکمرانی خوب به جای بیان "آنچه هست" به اظهار نظر درباره "آنچه باید باشد" می پردازد (گریندل، ۲۰۰۰). حکمرانی مستلزم حکومت، جامعه مدنی فعالان اجتماعی و اقتصادی، نهادهای جامعه محور و گروه های ساختار نیافته، رسانه ها و غیره می شود که در تمام سطوح، محلی، ملی، منطقه ای و جهانی معنا می یابد (دباغ و تفری، ۱۳۸۵). این مفهوم در سازمان ها نیز کارکرد بیشتری پیدا می کند چراکه زمانی در جامعه به مفهوم حکمرانی خوب دست می یابیم که در سازمان ها به آن دست یافته باشیم، چراکه جامعه را سازمان های آن تشکیل می دهند. استاندارد حکمرانی خوب برای خدمات عمومی، برای استفاده از تمام امکانات سازمان و برای مشارکت هایی در نظر گرفته شده است که برای عموم مردم و با استفاده از پول مردم کار می کنند. بسیاری از اینها سازمان های بخش عمومی هستند که خدمات آنها به طور مستقیم توسط اعضای جامعه یا افرادی استفاده می شود که مستول فعالیت هایی هستند که کمتر قابل مشاهده است، مانند مقررات و سیاست های توسعه (آماندا لیتل، ۲۰۰۴). اصول حکمرانی خوب از دید لیتل (۲۰۰۴) شامل مولفه های زیر است:

۱. تشویق سهامداران و ایجاد پاسخگویی واقعی
  ۲. ترویج ارزش ها برای کل سازمان و نشان دهنده حکمرانی خوب از طریق رفتار
  ۳. عملکرد اثربخش در عوامل و نقش های به وضوح تعریف شده
  ۴. تمرکز بر اهداف و خروجی های سازمانها برای شهروندان و مصرف کنندگان خدمات
  ۵. تصمیم گیری شفاف، آگاهانه و مدیریت مخاطرات؛
  ۶. توسعه ظرفیت و قابلیت هیئت حاکمه برای اثربخشی بیشتر
- همان طور که مشاهده می شود، عمده اصولی که منجر به حکمرانی خوب در سازمان ها می شود، مربوط به رهبری است که یک رهبری خوب در سازمانها همان رهبری اخلاقی است که دارای ویژگی های عدالت، صداقت و اثربخشی است (اصفهانی و غضنفری، ۱۳۹۲). رهبری اخلاقی به صورت نمایش رفتار مناسب هنجاری از طریق اعمال فردی. ارتباطات بین فردی و ترویج چنین رفتاری بین پیروان از طریق ارتباطات دوسویه، تقویت و تصمیم گیری تعریف شده است (والومیا و همکاران، ۲۰۱۰). براون و همکارانش (۲۰۰۷) رهبری اخلاقی را به عنوان توسعه رفتارهای مناسب هنجاری از طریق اعمال شخصی و روابط متقابل شخصی و ارتقا چنین رفتارهایی به زیردستان از راه ارتباطات دوطرفه، تقویت و تصمیم گیری تعریف کردند. کافمن و همکارانش در بانک جهانی برای بیان حکمرانی شش شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت بوروکراسی و اثربخشی دولت را بیان کردند و باور بر این است که هر قدر در کشور، دولت پاسخگوتر، کارآمدتر و ثبات سیاسی بیشتر، مقررات اضافی و هزینه ها کمتر و حاکمیت قانون گسترده تر و فساد محدودتر باشد، گفته می شود که حکمرانی خوب برقرار است (کافمن، ۲۰۰۶: ۳). حکمروایی دو وجه دارد. برخی مواقع تاکید بر نهادها، ساختارها و سازمانهاست، یعنی جنبه عینی دارد و برخی زمان های دیگر به عنوان فرایند به کار می رود. وقتی حکمروایی به منظور نیاز اجتماعی، نیروی اجتماعی و حرکت اجتماعی برای ادامه زندگی باشد، فرایندی محسوب می شود که باید به شکلی نهادمند و قانونی درآید. به اعتقاد من هر نوع تحولی سه مرحله دارد: مفهوم سازی، نهادسازی و پس از آن فرهنگ سازی، به طور مثال موضوع شوراها و جامعه مدنی در ایران مطرح شد. سپس در قانون تجلی پیدا کرد و مؤسساتی به وجود آمد. در دنیا هم ابتدا نیاز به تغییر و تحول، خود را نشان داد و سپس تعمیم یافت. امروزه در سطح جهانی، حکومت و حاکمیت بشری، رویکرد نوینی را می طلبد. حکمروایی هم شامل نیروها و انگیزه های اجتماعی است و هم شامل سازمانها و نهادهایی که می توانند به آن تحقق بیرونی بخشند (مهدی زاده، ۱۳۸۶: ۱۱).

## ۵- حکمرانی در اتحادیه اروپا

### ۵-۱- معرفی اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا یک اتحادیه اقتصادی-سیاسی است که از ۲۷ کشور اروپایی تشکیل شده است. منشا اتحادیه اروپا به جامعه اقتصادی اروپا که در سال ۱۹۵۷ با توافقنامه رم بین ۶ کشور اروپایی شکل گرفت، باز می‌گردد. از آن تاریخ با اضافه شدن اعضای جدید، اتحادیه اروپا بزرگ‌تر شد. در سال ۱۹۹۳، توافق ماستریخت چارچوب قانونی کنونی اتحادیه را پایه گذاری کرد. اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۹ واحد پول مشترکی به نام یورو را معرفی کرد که تاکنون در ۱۷ کشور جایگزین پولهای ملی شده است. اتحادیه اروپا با ۵۰۰ میلیون شهروند ۳۱٪ تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۰۷ در جهان را تولید کرده است. (۱۵,۸ تریلیون دلار) ۲۱ کشور از اعضای اتحادیه اروپا عضو ناتو می‌باشند. اتحادیه در حال حاضر بازار واحد مشترکی دارد که موارد زیر را در بر می‌گیرد: اتحادیه گمرکی، واحد پول -یورو- که تحت اداره بانک مرکزی اروپاست (تا کنون ۱۷ کشور از ۲۷ کشور عضو آن را پذیرفته‌اند)، سیاست مشترک کشاورزی، سیاست مشترک تجارت و سیاست مشترک شیلات. سیاست مشترک خارجه و امنیت نیز به عنوان دومین ستون از سه ستون اتحادیه اروپا شکل گرفت. پیمان شنگن کنترل روادید را لغو کرد، ایستهای گمرکی نیز در بسیاری از مرزهای داخلی برداشته شد و امکان رفت و آمد شهروندان اتحادیه اروپا برای زندگی، مسافرت، کار و سرمایه گذاری بیشتر شد. مهمترین نهادهای اتحادیه اروپا عبارتند از: شورای اتحادیه اروپا، کمیسیون اروپا، دادگاه اروپا، کنگره اروپا، شورای اروپا و بانک مرکزی اروپا. فعالیتهای اتحادیه اروپا اکثر سیاستهای عمومی را تحت پوشش قرار می‌دهد، از سیاست اقتصادی گرفته تا امور خارجه، دفاع، کشاورزی و تجارت. با این حال، گستره قدرت آن در حوزه‌های مختلف بسیار متفاوت است. در برخی حوزه‌ها اتحادیه مانند فدراسیون عمل می‌کند (برای مثال در مسائل پولی، کشاورزی، تجاری، محیط زیست و سیاستهای اقتصادی و اجتماعی) و در دیگر حوزه‌ها مانند یک سازمان بین‌المللی (برای مثال در امور خارجه).

## ۲-۵- معرفی نهادهای تصمیم سازی اتحادیه اروپا

نهادهای اتحادیه اروپا<sup>۳</sup> شامل هفت نهاد اصلی تصمیم سازی است. این نهادها چنان‌که در اصل ۱۳ معاهده اتحادیه اروپا فهرست شده عبارتند از: پارلمان اروپا، شورای اروپایی، شورای اتحادیه اروپا، کمیسیون اروپا، دیوان دادگستری اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپا و دادگاه اروپایی<sup>۴</sup>. این نهادها از سازمان‌های اتحادیه اروپا متفاوتند.

### ۱-۵-۲- شورای عالی اروپا<sup>۵</sup>

شورای اروپا از سران کشورهای عضو تشکیل شده و بالاترین ارگان اتحادیه اروپا است. شورای عالی اروپا نخست در سال ۱۹۷۵ به صورت غیررسمی تأسیس شد و سپس در سال ۲۰۰۹ میلادی، مطابق با پیمان لیسیون به یکی از نهادهای رسمی اتحادیه اروپا تبدیل شد. جلسات این نهاد با حضور سران دولت‌ها یا سران حکومت‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا به همراه رئیس شورای اتحادیه اروپا، رئیس کمیسیون اروپا و نماینده عالی اتحادیه اروپا در سیاست خارجی و امور امنیتی برگزار می‌شود. با وجود آنکه این شورا حق قانون‌گذاری ندارد، اما مطابق با پیمان لیسیون برای مشخص کردن «جهت‌گیری‌های کلی سیاسی و اولویت‌های اتحادیه اروپا» بنیان نهاده شده است؛ بنابراین این شورا یکی از نهادهای استراتژیک اتحادیه اروپا به شمار می‌رود. جلسات این شورا، معمولاً با عنوان نشست سران اتحادیه اروپا ۶ شناخته می‌شود. این جلسات معمولاً حداقل دو بار در هر نیمه سال در ساختمان ستادشورای اروپا ۷ در بروکسل برگزار می‌شود. طول مدت مقام ریاست این شورا دو سال و نیم است. رئیس شورا می‌تواند فقط دو دوره در مقام ریاست باشد؛ یعنی حد اکثر ۵ سال.

### ۵-۲-۲- کمیسیون اروپا<sup>۸</sup>

نقش قوه مجریه را در اتحادیه اروپا ایفا می‌نماید. این کمیسیون مسئول پیشنهاد قوانین، اجرای تصمیم‌گیری‌ها، تنفیذ پیمان‌نامه‌ها و روی هم رفته انجام کارهای روزمره اتحادیه اروپا است. ساختار کمیسیون اروپا به صورت کابینه‌ای متشکل از ۲۷ نماینده است. اعضای کمیسیون اروپا را کمیسار می‌نامند و هر یک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا دارای یک نماینده در

<sup>3</sup> Institutions of the European Union

<sup>4</sup> [http://data.europa.eu/eli/treaty/tfeu\\_2012/oj](http://data.europa.eu/eli/treaty/tfeu_2012/oj)

<sup>5</sup> The European Council

<sup>6</sup> (EU summit)

<sup>7</sup> (JUSTUS Lipsius)

<sup>8</sup> European Commission

کمیسیون اروپا هستند. اعضای کمیسیون صاحب منصبهای اداری هستند که از طرف دولت خود برای عضویت در کمیسیون معرفی می شوند. اعضای کمیسیون هر بار برای مدت پنج سال انتصاب می شوند. هر کمیسار عهده دار مسئولیتی در زمینه معینی از سیاست اتحادیه می باشد. مسئولیت اخذ تصمیم در مورد ارجاع وظایف مختلف به اعضای کمیسیون، با رئیس کمیسیون است. رئیس کمیسیون از طرف شورای عالی اروپا تعیین می گردد. دفتر اصلی کمیسیون اروپا در شهر بروکسل پایتخت بلژیک قرار دارد.

### ۳-۲-۵- پارلمان اروپا

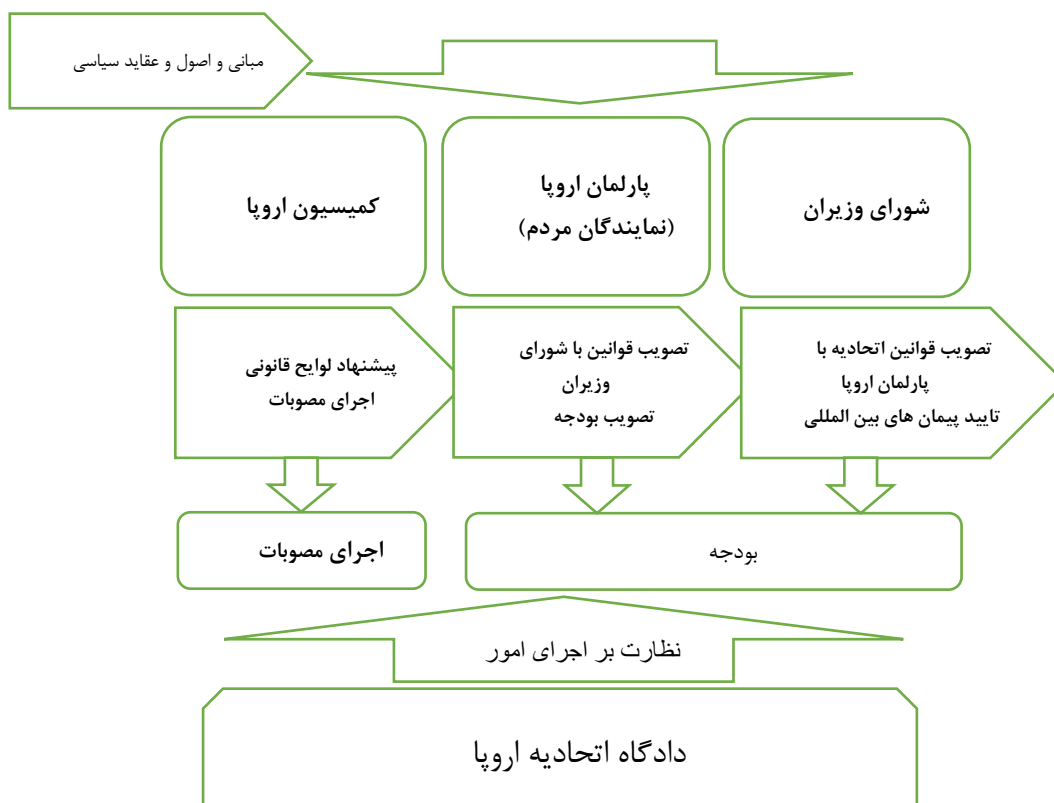
یک نهاد رسمی قانون گذاری در اروپا است. پارلمان اروپا، به همراه شورای وزیران قوانین جاری بر اتحادیه اروپا را تصویب می نمایند. این پارلمان، مجلس نمایندگان تمام شهروندان کشورهای عضو اتحادیه اروپا است. اتباع هر کشور عضو اتحادیه اروپا می توانند نمایندگان خود را برای پارلمان اروپا در رأی گیریهای همگانی انتخاب کنند. تعداد نمایندگان هر کشور عضو در پارلمان اروپا، به نسبت جمعیت آن کشور تعیین می شود. به عبارت دیگر، تعداد نمایندگان کشورهای پرجمعیت از کشورهای کم جمعیت بیشتر است. به علت آنکه نمایندگان آن به طور مستقیم از سوی شهروندان اروپایی انتخاب می شوند، سبیل دموکراسی در اتحادیه اروپا به حساب می آید. نمایندگان پارلمان هر بار برای یک دوره پنج ساله انتخاب می شوند. پارلمان اروپا بر کمیسیون اروپا نظارت می کند تا جایی که رئیس و اعضاء کمیسیون موظف به اخذ رأی اعتماد از پارلمان هستند و پارلمان می تواند آنان را به صورت دسته جمعی استیضاح کند. پارلمان به همراه شورای اتحادیه اروپایی مسئولیت تصمیم گیری در مورد بودجه اتحادیه و نظارت بر مصرف آن را دارد. هشتمین دوره این پارلمان از ماه ژوئیه سال ۲۰۱۴ آغاز شده و تا ماه ژوئیه سال ۲۰۱۹ ادامه خواهد داشت. در این دوره ۷۵۱ کرسی این پارلمان بین کشورهای عضو تقسیم شده است. جلسات پارلمان در دو محل برگزار می گردند: بروکسل در بلژیک و استراسبورگ در فرانسه. اجلاس های عمومی ماهی یک بار در استراسبورگ تشکیل می شوند. جلسات فوق العاده در بروکسل برگزار می گردند.

### ۵-۲-۴- شورای اتحادیه اروپا

شورای اتحادیه اروپا را به نام شورای وزیران نیز می خوانند. این شورا را می توان هیئت دولت اتحادیه اروپا قلم داد نمود. وزیران تمام ۲۷ کشور عضو اتحادیه، اعضای شورای وزیران را تشکیل می دهند. در جلسات این شورا، از هر کشور آن وزیری شرکت می کند که موضوع جلسه در ارتباط با وزارتخانه او است. به این معنی که اگر موضوع جلسه سیاست خارجی اتحادیه باشد، وزراء خارجه کشورهای عضو شرکت دارند؛ یا چنانچه امور کشاورزی مورد بررسی است، وزراء کشاورزی در این جلسه حضور بهم می رسانند. این شورائی است از نمایندگان دولتهای عضو. کار شورا تصویب قوانین، رهنمودها و احکام است. شورای وزیران قوانین را همراه با پارلمان اروپا به تصویب می رساند. شورا به همراه پارلمان اروپا بودجه اتحادیه اروپا را نیز تصویب می کنند، یعنی وضعیت امور مالی را برآورد می نمایند. همچنین پیمانهای بین المللی، که از پیش مورد مذاکره کمیسیون اروپا بوده و آماده شده، بوسیله این شورا تأیید می شوند. نماینده هر یک از کشورهای عضو اتحادیه، به نوبت، به مدت شش ماه رئیس این شورا می باشند.

### ۵-۲-۵- دادگاه اروپا

دادگاه اروپا ناظر این است که قوانین مصوبه توسط اتحادیه اروپا و دولتهای عضو اتحادیه، در چهار چوب پیمان های اساسی تأسیس اتحادیه اروپا باشند. همچنین، تشخیص اینکه آیا قوانین مصوبه توسط دولتهای عضو، موافق با قوانین و رهنمودهای اتحادیه اروپا است، با دادگاه اتحادیه اروپا می باشد. این دادگاه عالی، که در واقع دیوان عالی اتحادیه اروپا است، به دعاوی بین کشورهای عضو و دعاوی بین ارگانهای مختلف اتحادیه اروپا نیز رسیدگی می کند. همچنین اگر یکی از مسئولین و یا ارگانهای اتحادیه اروپا به حقوق اتباع، اشخاص حقوقی و سایر نهادهای اتحادیه اروپا تجاوز نماید، اینها نیز می توانند از دادگاه اروپا درخواست رسیدگی کنند.



شکل ۲ نهادهای تصمیم سازی در اتحادیه اروپا

### ۳-۵- اصول و نحوه کار اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا دستوراتی صادر می کند که به وسیله آنها قوه مقننه کشورهای عضو را هدایت و هم آهنگ می سازد. این دستورات به چهار دسته تقسیم می شوند ۱-قانون ۲-رهنمود ۳- حکم ۴- توصیه. قوانین، رهنمودها و احکام صادره از طرف اتحادیه اروپا، قدرت اجرائی بیشتری دارند، تا احکام و قوانینی که هر کشور عضو به تنهایی صادر می شوند. هر یک از کشورهای عضو باید از دستورات اتحادیه اروپا پیروی کند.

#### ۱-۳-۵- قانون

بالاترین نوع دستور قانون است. قوانین مصوبه در اتحادیه اروپا درست به همان شکل در کشورهای عضو قابل اجرا می باشند.

#### ۲-۳-۵- رهنمود

دستورالعملی است که بر پایه آن هر کشور عضو برای خودش قانون وضع کند. در واقع رهنمود راهنمایی است برای وضع قوانین داخلی هر کشور عضو. هر دولتی می تواند راه و روش خود را برای به تحقق رساندن رهنمودها پیدا کند. با صدور رهنمود، سعی می شود تا کیفیت خدمات و کالاهای تولیدی و میزان امنیت در تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا یکسان و همطراز شوند.

رهنمود های اتحادیه اروپا به طرق مختلف بر زندگانی اهالی اروپا تأثیر گذاشته است. مخصوصاً اتحادیه اروپا در زندگانی کشاورزان تغییرات بزرگی ایجاد نموده است اتحادیه اروپا به کشاورزان یارانه و کمکهای مالی زیادی می کند؛ و در نتیجه نظارت دارد که آنها مطابق رهنمودهای داده شده عمل کنند.

<sup>9</sup> <https://europarlamentti.info/pe/European-union/organisation-of-the-EU/>

### ۳-۳-۵- حکم

احکام مکمل هائی است برای قوانین و رهنمود های صادره. عموماً احکام برای یک یا چند کشور عضو صادر می گردند.

### ۴-۳-۵- توصیه

کم قدرت ترین دستورات اتحادیه اروپا توصیه است. کشورهای عضو اجباری برای پیروی از توصیه ها ندارند. هدف از صدور توصیه های اختیاری این است، که طرق عملکرد کشورهای عضو به تدریج به یک جهت سوق داده شود.

### ۴-۵- پیمان اساسی

کارکرد اتحادیه اروپا بر پایه موازین پیمانهای اساسی می باشد. پیمان اساسی عهدنامه ای بین المللی است که توسط کشورهای عضو امضاء گردیده است. کلیه دولتهای عضو اتحادیه اروپا باید مفاد پیمان اساسی را رعایت کنند. به همین دلیل، اتحادیه اروپا فقط در مناطقی اعمال قدرت دارد؛ که به موجب پیمان اساسی به آن اختیار داده شده باشد. در صورت لزوم، در پیمانهای اساسی تجدید نظر و اصلاح به عمل می آید. در باره پیمانهای اساسی و اصلاحات آن، کشورهای عضو متفق الرأی تصمیم می گیرند. در پیمان اساسی ارزشها و اصول اتحادیه اروپا مندرج گردیده است. در همین پیمان وظایف و شیوه تصمیم گیری اتحادیه اروپا نیز قید گردیده است. علاوه بر اینها، روابط بین اتحادیه اروپا و کشورهای عضو و حدود اختیارات هر کدام در پیمان نامه اساسی معین شده اند. آخرین پیمان اساسی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۷ میلادی در لیسبون منعقد گردید. پیمان لیسبون در سال ۲۰۰۹ میلادی به قدرت اجراء درآمد. پیمان اساسی جدید، به اتحادیه اروپا اختیار داد که معاهدات بین المللی را نیز منعقد کند. هدف این بود که بازار مشترک اروپا در اتحادیه اروپا ادغام گردد؛ تا به این ترتیب فقط یک سازمان نقش اجرایی را عهده دار باشد. بعد از انعقاد پیمان لیسبون، در تاریخ ۱ دسامبر سال ۲۰۰۹ میلادی، به کار بازار مشترک اروپا خاتمه داده شد.

### ۵-۵- حقوق شهروندان اتحادیه اروپا، مندرج در پیمان نامه حقوق اساسی:

#### ۱-۵-۵- احترام و رعایت حریم اشخاص

به حریم اشخاص نباید تجاوز شود. هیچکس اجازه ندارد که با بدن یا روان دیگری بدرفتاری و یا آن را آزرده کند. هر فرد حق حیات دارد. هیچکس را نمی توان به مرگ محکوم و مجازات کرد. شکنجه و جزای تحقیرآمیز ممنوع است. بردگی و کار اجباری نیز منع شده است. خرید و فروش انسانها ممنوع است.

#### ۲-۵-۵- آزادی

هر کس حق دارد که آزاد و در امنیت به سر ببرد. باید به حریم خانه، خانواده و ارتباطات خصوصی افراد احترام گذاشت. هر فردی حق دارد که ازدواج کرده و تشکیل خانواده دهد. اطلاعات خصوصی افراد باید محرمانه قلمداد شده و از آنها حفاظت شود. آزادی انتخاب مذهب، آزاد اندیشی، آزادی کلام و آزادیهای جمعی شامل حال تمام افراد جامعه می شوند. هر نفر حق دارد تحصیل کند، به استخدام درآید، برای خود شغل آزاد انتخاب نماید و صاحب دارائی شود. هر فردی حق دارد به هر کشوری در اتحادیه اروپا پناهنده شود؛ و نمی توان او را به کشور ناامنی اخراج نمود.

#### ۳-۵-۵- برابری

از دیدگاه قانون، تمام افراد جامعه با یکدیگر یکسان و برابر هستند. هر نوع تبعیض ممنوع است. فرهنگها، مذاهب و زبانهای متفاوت مورد احترام هستند. در هر مشغله ای باید بین زن و مرد تساوی حقوق حکم کند؛ و هر کدام باید در ازای انجام کارهای یکسان، دستمزدی برابر دریافت کنند. کودکان هم دارای حقوقی از جمله حق حمایت و حق سرپرستی و مراقبتهای مورد نیاز هستند. نوجوانان حق دارند که در مورد امور مربوطه نظرات خودشان را ابراز دارند. منافع کودکان همیشه باید در مدنظر باشند. سالمندان نیز از حقوق زندگانی مستقل، شایسته و انسانی برخوردار هستند. معلولین حق دارند که برای پیشبرد سازواری خود در جامعه و تشکیل زندگانی مستقلی برای خود، در فعالیتهای مناسب و مورد نیازشان شرکت کنند.

#### ۴-۵-۵- مسئولیتهای همگانی

کارکنان بخش خصوصی حق دارند، که در مورد انجام وظایف شغلی خود، اطلاعات لازم را دریافت کرده؛ و همچنین از آنها نظرخواهی شود. کارکنان، کارفرمایان، اتحادیه های کارگری و سندیکاهای کارفرمایان مجاز هستند که با یکدیگر مذاکره

کرده و عهدنامه امضاء کنند. در صورت لزوم، اتحادیه های کارکنان حق دارند که برای کسب حقوق خود مبارزه کرده و دست به اعتصاب بزنند. برای یافتن کار، هر فردی از خدمات کارایی رایگان برخوردار است. از کارکنان در مقابل اخراجات بدون دلیل موجه حمایت می شود. کارکنان هر سازمانی، دارای حق برخورداری از محیط کار و شرایط کار سالم و شایسته انسان هستند. حداکثر ساعات هر کار مقرر شده: یعنی در هر روز و هر هفته کار، باید اوقات فراغت کافی وجود داشته باشد. کارکنان در روزهای مرخصی نیز حقوق دریافت می کنند. استخدام خردسالان در کارهای انتفاعی ممنوع است. محیط کار کارکنان جوان باید دارای ایمنیهای لازم و کافی باشد. از تشکل خانواده نیز حمایت می شود؛ و نمی توان کسی را به خاطر بچه دار شدن از کار اخراج نمود. هر فردی که به طور قانونی در اتحادیه اروپا سکونت داشته باشد، از حقوق و مزایای تأمین اجتماعی برخوردار می شود. استفاده از خدمات بهداشتی، بهزیستی و پیشگیری و درمان بیماری شامل حال تمام شهروندان اتحادیه اروپا می باشد. البته کیفیت و کمیت مزایای اجتماعی و خدمات درمانی، توسط وضع قوانین هر کشور عضو، به طور جاگانه تعیین می گردند. از مصرف کنندگان کالا نیز قانوناً حمایت می شود. همچنین پیوسته برای حفظ محیط زیست نیز کوشش می گردد.

#### ۵-۵-۵- حقوق شهروندان اتحادیه

هر یک از اتباع اتحادیه اروپا حق دارد که در انتخابات پارلمان اروپا رأی دهد و یا خود را نامزد (کاندیدا) کند. بعلاوه، اتباع اتحادیه اروپا می توانند در انتخابات محلی کشور محل اقامت خود نیز رأی داده و یا خود را نامزد اعلام کنند. شهروندان دولتهای عضو اتحادیه اروپا از این حق برخوردارند که دارای حکومتی بیطرف، عادل و باکفایت و کارآمد باشند. هر فردی حق دارد که به مدارک و اسناد سازمانها و نهادهای مختلف اتحادیه اروپا دسترسی داشته باشد. اتباع اتحادیه اروپا و افرادی که در کشورهای عضو اتحادیه اقامت دارند، همچنین مؤسسات انتفاعی و غیرانتفاعی مستقر در اتحادیه اروپا، می توانند برای رسیدگی به شکایات خود به پارلمان اروپا متوسل شوند. همچنین آنها حق دارند که دادخواستی تنظیم کرده و آن را به دادیار اتحادیه اروپا ارائه دهند. هر شهروند اتحادیه اروپا می تواند در هر یک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا آزادانه آمد و رفت کند و یا سکونت داشته باشد. اتباع اتحادیه اروپا حق دارند که در صورت لزوم به هر یک از نمایندگیهای سیاسی و یا کنسولگریها دولتهای عضو اتحادیه پناه برده و درخواست حراست کنند.

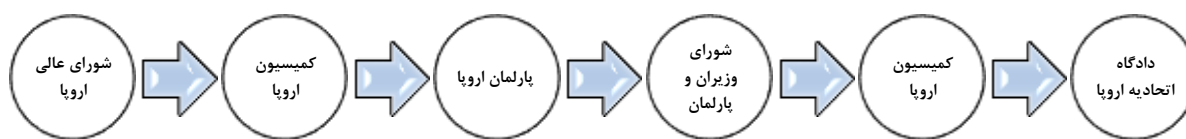
#### ۵-۵-۶- عدالت اجتماعی

هر شهروند اتحادیه اروپا دارای حق برخورداری از خدمات قوه قضائیه و دادرسی بیطرفانه است. متهمین تا زمانی که قانوناً جرمشان به اثبات نرسیده بیگناه شمرده می شوند. هر متهمی حق دارد که برای دفاع از خود به وکیل دعاوی متوسل شود. برای هیچ جرمی نمی توان مجازات بیشتری از آنچه در قانون جزای زمان دادرسی تعیین شده حکم صادر نمود. برای ارتکاب یک جرم نمی توان شخصی را بیش از یک بار متهم و مجازات نمود.

#### ۵-۶- ساختار تصمیم گیری در اتحادیه اروپا

کلیه ارگانها و نهادهای اتحادیه اروپا به نحوی در اخذ تصمیمات شرکت دارند. نحوه اخذ تصمیمات در اتحادیه اروپا به شرح زیر است:

۱. سران کشورهای عضو تصمیمات مربوط به خط مشی سیاسی را در شورای عالی اروپا اخذ می کنند.
۲. کمیسیون اروپا لایحه های قوانین جدید را پیشنهاد می کند.
۳. پارلمان اروپا لایحه های قوانین را بررسی کرده و به همراه شورای وزیران اخذ تصمیم می کند.
۴. شورای وزیران و پارلمان مشترکاً قوانین را تصویب می کنند.
۵. کمیسیون اروپا نظارت دارد که تمام کشورهای عضو از قوانین جدید پیروی کنند.
۶. دادگاه اروپا به اختلافات ممکنه رسیدگی می کند.



شکل ۲ مسیر تصمیم گیری در اتحادیه اروپا

## ۷-۵- اصول حکمرانی خوب از منظر اتحادیه اروپا:

بر اساس تعریف اتحادیه اروپا: «حکمرانی خوب مدیریت شفاف و پاسخگوی منابع در یک کشور با هدف تضمین توسعه اقتصادی و اجتماعی عادلانه و پایدار است. (هداوند، ۱۳۸۴: ۷۷). با تصمیم و تصویب شورای وزیران اروپا از سال ۲۰۰۸، ۱۲ اصل برای حکمرانی خوب مشخص و در استراتژی نوآوری و حکمرانی خوب در سطح دولت های محلی گنجانده شد. همچنین سیاستگذاران اتحادیه ابزارهایی برای کمک به دولت های محلی و مقامات اتحادیه اروپا برای رصد رعایت این اصول و در نتیجه ارائه خدمات بهتر به شهروندان ایجاد کردند و نشان حکمرانی برتر اروپا<sup>۱۰</sup> به مقامات محلی اعطا می شود که به سطح کلی بالایی از حکمرانی خوب رسیده باشند که برابر معیار های مربوطه اندازه گیری شده باشد. نشان حکمرانی برتر اروپا یک نشان کریستال ۱۲ وجهی است که بر روی هر یک از وجوه آن اصول ۱۲ گانه حکمرانی خوب مردم سالار از منظر این اتحادیه حکاکی شده است. این نشان به مقاماتی اهدا می شود که در سطح ملی و منطقه ای از دید ذینفعان از نظر حکمرانی به رتبه کلی بالایی دست یافته و مورد تایید شورای اروپا نیز قرار گرفته باشد. مقامات محلی که مایل به درخواست این نشان هستند با توجه به ابزارهای زیر ارزیابی می شوند: ماتریس ارزیابی عملکرد آنها، پرسشنامه خطاب به شهروندان و پرسشنامه خطاب به نمایندگان منتخب محلی. این ارزیابی به مقامات محلی این امکان را می دهد تا هنگام ارائه خدمات عمومی به جامعه محلی و اعمال قدرت عمومی و استفاده از اختیارات، نقاط قوت و ضعف کار خود را درک کنند. برای بهبود کیفیت مدیریت محلی، مقامات محلی می توانند از ابزارهای مختلفی که توسط مرکز خبره اتحادیه اروپا تولید شده است استفاده کنند و از بهترین اقدامات همکارانشان الهام بگیرند. اصول ۱۲ گانه حکمرانی خوب شامل اصول زیر است:

جدول ۱ اصول ۱۲ گانه حکمرانی خوب

| ردیف | اصول ۱۲ گانه حکمرانی خوب                                                                           | مولفه ها                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             |
|------|----------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱    | Fair Conduct of Elections, Representation and Participation<br>انتخابات عادلانه، نمایندگی و مشارکت | <ol style="list-style-type: none"> <li>انتخابات محلی بطور آزاد و منصفانه، مطابق با استانداردهای بین المللی و مقررات ملی و بدون هیچ گونه کلاهبرداری انجام می شود.</li> <li>شهروندان در مرکز فعالیت های عمومی قرار دارند و در راه های واضح و مشخص در زندگی اجتماعی در سطح محلی درگیر هستند.</li> <li>همه زن و مرد می توانند در تصمیم گیری چه به طور مستقیم و چه از طریق نهادهای واسطه ای معتبر که نماینده منافع آنها هستند، صدا در تصمیم گیری داشته باشند. چنین مشارکت گسترده ای بر آزادی بیان، تجمع و اجتماع بنا شده است.</li> <li>تمام صداها، از جمله صدای افراد با امتیاز کمتر و آسیب پذیر، در تصمیم گیری ها، از جمله بیشتر در مورد تخصیص منابع، شنیده می شود و مورد توجه قرار می گیرد.</li> <li>همواره تلاش صادقانه ای برای میانجیگری بین منافع مختلف حقوقی و دستیابی به اجماع گسترده درباره آنچه به نفع کل جامعه است و</li> </ol> |

<sup>10</sup> European Label of Governance' Excellence (ELoGE)

|   |                                                                            |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        |
|---|----------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
|   |                                                                            | <p>چگونگی دستیابی به این امر همواره وجود دارد.</p> <p>۶. تصمیمات مطابق خواست اکثریت گرفته می شود ، در حالی که حقوق و منافع قانونی اقلیت افراد محترم شمرده می شوند.</p>                                                                                                                                                                                                                 |
| ۲ | <p>پاسخگویی</p> <p>Responsiveness</p>                                      | <p>۱. اهداف ، قواعد ، ساختارها و رویه ها با انتظارات و نیازهای قانونی شهروندان سازگار است.</p> <p>۲. خدمات عمومی ارائه می شود و درخواست ها و شکایات در یک بازه زمانی مناسب پاسخ داده می شوند</p>                                                                                                                                                                                       |
| ۳ | <p>کارایی و اثربخشی</p> <p>Efficiency and Effectiveness</p>                | <p>۱. نتایج اهداف توافق شده را برآورده می کند.</p> <p>۲. بهترین استفاده ممکن از منابع وجود دارد.</p> <p>۳. سیستم های مدیریت عملکرد امکان ارزیابی و افزایش کارایی و اثربخشی خدمات را ممکن می سازند.</p> <p>۴. ممیزی ها در فواصل منظم برای ارزیابی و بهبود عملکرد انجام می شود.</p>                                                                                                      |
| ۴ | <p>پذیرش و شفافیت</p> <p>Openness and Transparency</p>                     | <p>۱. تصمیمات طبق مقررات و مقررات اتخاذ و اجرا می شود.</p> <p>۲. دسترسی عمومی به تمامی اطلاعات که به دلایل مشخص شده توسط قانون ( مانند حفاظت از حریم خصوصی یا تضمین عدالت رویه های تهیه ) طبقه بندی نشده است.</p> <p>۳. اطلاعات مربوط به تصمیم گیری ها ، اجرای سیاست ها و نتایج به گونه ای در دسترس عموم قرار می گیرد که به طور موثر آن را دنبال کرده و به کار اداره محلی کمک کند.</p> |
| ۵ | <p>حکمت قانون</p> <p>Rule of Law</p>                                       | <p>۱. مقامات محلی از قانون و تصمیمات قضایی پیروی می کنند.</p> <p>۲. قوانین و مقررات مطابق رویه های مقرر در قانون تصویب می شوند و به طور بی طرفانه اجرا می شوند.</p>                                                                                                                                                                                                                    |
| ۶ | <p>رفتار اخلاقی</p> <p>Ethical conduct</p>                                 | <p>۱. منافع عمومی قبل از منافع فردی قرار داده می شود.</p> <p>۲. اقدامات موثری برای پیش گیری و مبارزه با همه ی اشکال فساد وجود دارد.</p> <p>۳. تضاد منافع به موقع اعلام می شوند و افراد درگیر باید از شرکت در تصمیمات مربوطه خودداری کنند.</p>                                                                                                                                          |
| ۷ | <p>شایستگی و صلاحیت</p> <p>Competence and Capacity</p>                     | <p>۱. مهارت های حرفه ای افرادی که حکمرانی را ارائه می دهند به منظور بهبود نتایج و تأثیر آنها بطور مداوم حفظ و تقویت می شوند.</p> <p>۲. مقامات دولتی انگیزه دارند تا به طور مداوم عملکرد خود را بهبود بخشند.</p> <p>۳. روشها و رویه های عملی به منظور تبدیل مهارتها به ظرفیت و ایجاد نتایج بهتر ایجاد و مورد استفاده قرار می گیرند.</p>                                                 |
| ۸ | <p>نوآوری و گشودگی برای تغییر</p> <p>Innovation and Openness to Change</p> | <p>۱. راه حل های جدید و کارآمد برای حل مشکلات جستجو شده و از روش های نوین ارائه خدمات بهره می برد.</p> <p>۲. آمادگی برای آزمایش و تجربه برنامه های جدید و یادگیری از تجربه دیگران وجود دارد .</p>                                                                                                                                                                                      |

|    |                                                                                                 |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           |
|----|-------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۹  | پایداری و جهت گیری طولانی مدت<br>Sustainability and Long-term Orientation                       | <p>۱. نیازهای نسل های آینده در سیاست های جاری در نظر گرفته می شوند .</p> <p>۲. پایداری جامعه به طور مداوم مورد توجه قرار می گیرد.</p> <p>۳. تلاش می شود تصمیمات تمام هزینه ها را کاهش دهد و مشکلات و تنش ها را از نظر محیط زیست ، ساختاری ، مالی ، اقتصادی یا اجتماعی به نسل های آینده منتقل نکند.</p> <p>۴. یک چشم انداز گسترده و بلند در مورد آینده جامعه محلی به همراه درکی از آنچه برای چنین توسعه ای نیاز است وجود دارد .</p> <p>۵. درکی از پیچیدگی های تاریخی ، فرهنگی و اجتماعی وجود دارد که این دیدگاه بر پایه آن استوار است .</p>                                                                                                                                                                                |
| ۱۰ | مدیریت مالی خوب<br>Sound Financial Management                                                   | <p>۱. هزینه ها از هزینه خدمات ارائه شده تجاوز نمی کنند و به ویژه در مورد خدمات مهم عمومی ، بیش از حد تقاضا را کاهش نمی دهند.</p> <p>۲. تدبیر در مدیریت مالی از جمله در قردادها و استفاده از وام ، در برآورد منابع ، درآمدها و ذخایر و در استفاده از درآمد استثنایی مشاهده می شود</p> <p>۴. بودجه برنامه های چند ساله با مشورت مردم تهیه می شود.</p> <p>۵. ریسکها بطور صحیح تخمین زده می شوند و مدیریت می شوند، از جمله با انتشار حسابهای تلفیقی<sup>۱۱</sup> و در مورد مشارکت های دولتی و خصوصی ، با به اشتراک گذاشتن واقع بینانه ریسک ها.</p> <p>۶. مقامات محلی در برنامه هایی برای انسجام بین شهرها ، تقسیم عادلانه بارها و مزایا و کاهش خطرات (سیستم های تساو ، همکاری بین شهری ، تسهیم خطرات و ...) شرکت می کنند.</p> |
| ۱۱ | حقوق بشر ، تنوع فرهنگی و انسجام اجتماعی<br>Human rights, Cultural Diversity and Social Cohesion | <p>۱. در حوزه حاکمیت مقامات محلی ، حقوق بشر محترم شمرده می شود ، محافظت می شود و به اجرا در می آید و با تبعیض در هر زمینه ای مبارزه می شود.</p> <p>۲. تنوع فرهنگی به عنوان یک دارایی تلقی می شود و تلاش های مداوم برای حصول اطمینان از اینکه همه در جامعه محلی سهم دارند ، با آن شناخته می شوند و احساس محرومیت نمی کنند .</p> <p>۳. انسجام اجتماعی و یکپارچگی در مناطق محروم ارتقا می یابد دسترسی به خدمات ضروری ، به ویژه برای اغلب بخش های محروم جامعه ، حفظ می شود .</p>                                                                                                                                                                                                                                              |
| ۱۲ | پاسخگویی<br>Accountability                                                                      | <p>۱. کلیه تصمیم گیرندگان ، جمعی و فردی ، مسئولیت تصمیمات خود را بر عهده می گیرند.</p> <p>۲. تصمیمات گزارش شده و شرح داده می شوند و ضمانت اجرایی دارند.</p> <p>۳. در برابر سوء مدیریت و اقدامات دولتمردان محلی که حقوق شهروندی را نقض می کنند ، راه حل های موثری وجود دارد.</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           |

#### ۸-۵- چالشهای اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا به عنوان یک بازیگر بین المللی همواره از زمان تاسیس با چالشهای متعدد سیاسی، امنیتی، اقتصادی رو به رو بوده است، با فروپاشی شوروی و نگاه این اتحادیه به کشورهای شرق این قاره و جذابیت عضویت در اتحادیه اروپا برای این کشورها، علیرغم افزایش قدرت سیاسی این اتحادیه به عنوان یک بازیگر سیاسی، چالشهای متعدد امنیتی، اقتصادی و فرهنگی

<sup>۱۱</sup> مجموعه ای از حساب ها که به جای اینکه نتایج هر یک از شرکت ها را به طور جداگانه نشان دهد ، نتایج مالی گروهی از شرکت ها را ترکیب می کند:

نیز بدنبال داشته است، این چالشها در سالهای اخیر سبب ظهور احزاب ملی گرا و چهره های سیاسی پوپولیست شده است. آینده این اتحادیه را با تهدید روبرو میکنند. در ادامه تعدادی از چالشهای اساسی این اتحادیه که حکمرانی آن را تهدید می کند شرح می دهیم.

#### ۱-۸-۵- قطبیدگی یا قطبش سیاسی<sup>۱۲</sup>

در سیاست، قطبیدگی فرایندی است که طی آن، نظرات سیاسی به سمت واگرایی رفته و در نهایت به افراطگری ایدئولوژیکی می انجامد. تقریباً در کلیه مباحث سیاسی مربوطه، قطبیدگی در متن احزاب سیاسی و در یک سیستم دموکراتیک مطرح می شود. در اثر قطبیدگی، معمولاً صدای میانه روها کمتر شنیده شده و مورد توجه قرار می گیرد و میدان برای تندروها فراهم تر می شود (فری و همکاران<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۶). همگرایی اروپایی از سال ۱۹۵۷ با ایجاد سازمان های اقتصادی و بازار آزاد تجاری آغاز شد اما همگرایی در مسائل سیاسی و امنیتی تا چندین دهه با مشکلات فراوانی همراه بود. بحران های بعد از فروپاشی شوروی به خصوص ضعف در تصمیم گیری سریع و عدم انسجام در مواجهه با جنگ داخلی یوگسلاوی موجب شد تا اتحادیه اروپا وادار به تغییر دیدگاه خود در این مورد شود. در معاهده ماستریخت در ۱۹۹۳ سیاست خارجی مشترک ارتقای جایگاه یافت و در کنار دو ستون قدیمی اتحادیه، یعنی جامعه اقتصادی و امور قضایی به رکن سوم اتحادیه مبدل شد. تکامل بعدی سیاست خارجی واحد اروپایی در سال ۲۰۰۹ با پیمان لیسبون اتفاق افتاد. در این پیمان نهادی با عنوان «مقام عالی رتبه اتحادیه اروپا برای روابط خارجی و سیاست امنیتی» شکل گرفت. این نهاد در عمل نوعی وزارت خارجه یا نهاد دیپلماتیک برای اتحادیه اروپا است. کاترین اشتون اولین مسئول این نهاد بود که در سال ۲۰۱۴ جای خود را به فدریکا موگرینی داد. به مدت ۳۰ سال، احزاب راستگرا یا چپ با دید گسترده از اروپا، بر اکثر کشورهای اتحادیه اروپا حاکم بوده اند. و با وجود اختلاف نظرهای سیاسی، آنها به طور مشترک با اجماع نظر، یک ائتلاف سیاسی را ایجاد کردند که یک بازار واحد (یورو) و اتحادیه بزرگ اروپا را بنا نهادند. اما اکنون بسیاری از رأی دهندگان احساس می کنند که سیاست های اصلی اروپای واحد شکست خورده است. ثابت شده است که دولت ها قادر به محافظت از کارمندان غیر ماهر و نیمه ماهر از عواقب جهانی شدن و تغییر فناوری نیستند. آموزش انبوه، مالیات پیشرفته و مزایای رفاه اجتماعی مانع از افزایش نابرابری نشده است. به طور فزاینده ای، رأی دهندگان به شدت از احزاب اصلی ناراضی هستند و مایل هستند فرصتی را برای کسانی که گزینه های رادیکال را پیشنهاد می دهند فراهم کنند. مانند لوپن در فرانسه. آنها اتحادیه اروپا را به خاطر وضعیت اسف بار دولتهایشان در اقتصاد و بازار کار سرزنش می کنند. و یورو در ایجاد رونق و ثبات ناکام مانده است. کسانی که فکر می کنند خطاهای خاص سیاسی و نقص نهادی بیش از خود ادغام اروپا مقصر باشد، در حال کم شدن هستند لیکن همیشه انتظار می رود که تغییر و تحولات سیاسی در دموکراسی ها رخ دهد. در حقیقت، نهادهای دموکراتیک برای دستیابی به آن طراحی شده اند. به طور کلی، قانون اساسی تغییر نمی کند، و یا به کندی تغییر می کند، ممکن است یک حزب یا ائتلاف جدید، دستور کار سیاسی را تعریف کند و قانون را اصلاح کند. این ترکیب از استحکام و انعطاف پذیری، رژیم های دموکراتیک را قادر می سازد تا با تغییر در اولویت های شهروندان سازگار شوند. این در مورد اتحادیه اروپا صدق نمی کند. اول، تغییرات سیاسی هماهنگ نیست. در هر لحظه ممکن است برخی از کشورها به احزاب رادیکال رأی داده باشند، در حالی که برخی دیگر خیر (مثال یونان در سال ۲۰۱۵) این برخورد مشروعیت در اتحادیه اروپا با بحران یونان شدت گرفت یونان اگرچه از اقتصادهای برتر اروپا نبود، اما بحران اقتصادی این کشور کل کشورهای اروپایی به ویژه آلمان را به شدت متاثر ساخت دوم، بر خلاف دموکراسی ملی، اتحادیه اروپا، مشروعیت خود را از فرایندی که طی آن گزینه های سیاسی ساخته می شوند بدست نمی آورد، اما به طور عمده خروجی های ساختار های سیاسی ملی می تواند بر آن موثر باشد. سوم اینکه، مرز بین موضوعات قانون اساسی و قانون گذاری در اتحادیه اروپا خاص است. علاوه بر این، به این دلیل که دولت ها به یکدیگر اعتماد نداشتند، آنها اصرار داشتند در معاهدات آنچه را که معمولاً در قوانین مرسوم وجود دارد، درج کنند. بنابراین قوانین بسیاری که زندگی اقتصادی مردم در اتحادیه اروپا را اداره می کنند برای اصلاح دشوارتر از مقررات داخلی مشابه هستند. به عبارت دیگر، دامنه تعریف مجدد قوانین بسیار محدود است، حتی اگر آنها یک اجماع نظری را منعکس کنند که به طور گسترده به اشتراک گذاشته نمی شود. قدرت گیری و احیای احزاب راست

<sup>12</sup> Polarization policy

<sup>13</sup> Pisani&Ferry. 2016

ملی‌گرا و مخالف اتحادیه در یک دهه گذشته و تقریباً در بحبوحه بحران مالی ۲۰۰۸ به این سو، رخ داده است (نورعلی وند، ۱۳۹۵: ۲۵). گرایش‌های راست ملی‌گرایی دارای ویژگی‌هایی هستند از جمله: ۱- گرایش‌های ملی‌گرایانه عمیقی دارند؛ ۲- طرفدار ارزش‌های مسیحی هستند؛ ۳- ایجاد دولت رفاه طرفدار بومیان اروپا؛ ۴- نگاه بدبینانه‌ای به اتحادیه اروپا دارند؛ ۵- مخالف مهاجران به اروپا هستند؛ ۶- درصدد نفوذ در پارلمان اروپا هستند؛ ۷- گرایش‌های ضد اسلامی دارند. این احزاب به جای منافع مشترک اتحادیه اروپا بر منافع ملی و ملی‌گرایی، تأکید دارند و همین مسئله واگرایی بین کشورهای اروپایی را دامن خواهد زد. حال سؤال اینست که چه گزینه‌هایی برای اتحادیه اروپا برای پاسخ به قطبش سیاسی و مطالبات همزمان برای اختیارات بیشتر سیاسی در سطح ملی وجود دارد؟ البته، اتحادیه اروپا به سادگی می‌تواند این تغییرات را نادیده بگیرد و امیدوار باشد که هنگامی که جدایی‌طلبان با مسئولیت‌آداره حکومت مواجه شوند، رادیکالیسم آنها از بین برود. اما این ساده لوحانه خواهد بود درست است که سیریزا<sup>۱۴</sup> مجبور شد گزینه‌های سخت را بپذیرد زیرا یونان به کمک‌های مالی خارجی نیاز داشت. لیکن هیچ کشور دیگری در همان وضعیت نیست. نادیده گرفتن مطالبات برای تغییر، درنهایت خصومت مردمی نسبت به اتحادیه اروپا را عمیق‌تر می‌کند. یک احتمال دیگر، استفاده از انعطاف‌پذیری موجود در مقررات پیمان اتحادیه اروپا است. در واقع عمل‌گرایی می‌تواند مفید واقع شود و کمیسیون اروپا آن را بپذیرد. اما تبدیل چارچوب اتحادیه اروپا به یک سری از معاملات خاص سیاسی خطرناک خواهد بود. آن‌هایی که قانون و اجرای اصول بنیادی، برایشان حائز اهمیت جدی است - نه فقط آلمان - به زودی اعتراض خواهند کرد. آخرین راه‌حل این خواهد بود که اتحادیه اروپا تمایل بیشتری به تغییر سیاسی داشته باشد. این امر نیازمند تغییر صریح تعادل بین موضوعات قانون اساسی و قانون گذاری است، بنابراین اصول حفظ می‌شوند، اما خطی‌مشی‌ها می‌توانند نسبت به سیاست پاسخگو باشند. علاوه بر این، اتحادیه اروپا باید قادر به قانون گذاری بر روی یک مجموعه گسترده‌تر از سیاست‌ها، از جمله، برای مثال، مالیات باشد این کار نهایی می‌تواند به نابرابری آشکار در سطح اتحادیه اروپا پایان دهد. در عین حال، پارلمان اروپا نیز مانند یک سیستم واقعاً فدرال، باید دارای امتیاز بالاتری باشد، به گونه‌ای که دولت‌ها در سطح ملی به همان اندازه اتحادیه اروپا مشروعیت داشته باشند. با چنین فدرال سازی در اتحادیه اروپا یا به احتمال زیاد، منطقه یورو کوچک‌تر می‌شود (که در آن درجه ادغام بالاتر است) درگیری‌های سیاسی دولت‌های ملی را بجای مخالفت با یک سیستم مبهم، به یک نهاد سیاسی مشروع سیاسی تبدیل می‌کند.

## ۲-۸-۵- بحران مهاجران و آوارگان

اوج مهاجرت به اتحادیه اروپا به سالیانی برمی‌گردد که تروریست‌های افراطی منطقه غرب آسیا نظیر داعش و دیگر گروه‌های افراطی شکل گرفتند و موجب مهاجرت افراد بسیار از این مناطق درگیر به غرب شد. سیاست‌های سراسر اشتباه اتحادیه اروپا در برابر مهاجران و آوارگان، اروپا را با چالش‌های بسیار عمیقی روبه‌رو کرده است. از سوی دیگر، بسیاری از تحلیل‌گران بر این باورند که ریشه بحران مهاجرت اروپا با ماجراجویی‌های غرب در منطقه غرب آسیا و شمال اروپا پیوند خورده است. غرب با به راه انداختن جنگ‌های نیابتی در کشورهای غرب آسیا و بخصوص در سوریه، عراق، لیبی، سومالی و افغانستان باعث شده هزاران هزار غیرنظامی به طور ناخواسته مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شوند. مهاجران و پناهجویان یا از کشورهای غرب آسیا و آفریقا هستند یا از کشورهای کمونیستی سابق. سیاست‌های سراسر اشتباه اتحادیه اروپا در برابر مهاجران و آوارگان، اروپا را با چالش‌های بسیار عمیقی روبه‌رو کرده است (ظریف، ۱۳۹۶). خشونت، ضرب و شتم و برخوردهای تحقیرآمیز با آوارگان؛ بازداشت و زندانی کردن آوارگان؛ نقض حق غذا و بهداشت، بیکاری و شرایط طاقت‌فرسا نشان از وضعیت بد مهاجران و آوارگان در اروپاست. بنابراین، از جهت حقوقی و فطری مشکل آوارگان مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گرفته است، اما

<sup>۱۴</sup> در واقع مخفف یونانی عبارت "ائتلاف چپ رادیکال" است، عنوان حزبی یونانی است که در سال ۲۰۰۴ به عنوان جبهه‌ای از نیروهای چپ یونان تشکیل شد. این حزب در سال ۲۰۱۵ دارای بیشترین کرسی‌های پارلمان یونان بوده و رهبر آن یعنی آلکسیس سیراس به نخست‌وزیری یونان رسید. این حزب ابتدا با شعار خروج از منطقه پولی یورو و پایان دادن به برنامه‌های ریاضت اقتصادی وارد میدان انتخابات شد و بر این اساس نیز پیروز گردید. با این حال هشت ماه پس از پیروزی در انتخابات و علی‌رغم ابراز مخالفت صریح مردم یونان با برنامه ریاضت اقتصادی طی فرآیند عمومی سیراس در موافقت‌نامه‌ای با دولت‌های اروپایی برنامه‌ی تمدید سیاست‌های اقتصادی را امضا کرد. این خط‌مشی سبب شکاف در حزب و جدایی بخشی از بدنه سیرازا از آن شد.

حقوق و مقررات پناهندگی به دلیل نداشتن پشتوانه اجرایی، از جهت عملی و اجرایی با مشکلات جدی روبه رو است. به گونه ای که کشورها با توجه به مصالح و منافع ملی خود با پناهندگان برخورد نموده و گاهی مسائل حقوقی تحت الشعاع مسائل سیاسی قرار می گیرد. از این رو، پناهندگان در بیشتر کشورها با سختی و دشواری های متعددی مواجه هستند (رضی، ۱۳۹۴).

### ۳-۸-۵- مسئله برگزیت

رابطه بین بریتانیا و اتحادیه اروپا تقریباً به نیم قرن بر می گردد. در سال ۱۹۷۳ وقتی بریتانیا به اتحادیه پیوست دو سال بعد در سال ۱۹۷۵ فراندومی برگزار شد که «آیا انگلستان باید در جامعه اروپایی (بازار مشترک) باقی بماند؟» ۶۷ درصد رأی «آری» دادند که شامل اکثر مناطق انگلیس و ایرلند شمالی است و فقط مناطق شتلند و جزایر غربی رأی «خیر» دادند. تنش میان اتحادیه اروپا و انگلیس در سال ۱۹۸۴ هنگامی که مارگارت تاچر، نخست وزیر بریتانیا بود، آغاز شد چرا که تاچر نسبت به پایین بودن سهم بریتانیا از بودجه بازار مشترک (که در سال ۱۹۸۴ اتحادیه اروپا نام گرفت) اعتراض کرده بود. اما این تنش فقط مربوط به بودجه نبود بلکه بریتانیا در سال ۱۹۹۹ نسبت به صادرات گوشت گاو بریتانیا و در سال ۲۰۰۰ نسبت به صادرات شکلات بریتانیا از اتحادیه شکایت کرده بود. اما از سال ۲۰۰۷ بود که بحث محافظت از منافع مالی بریتانیا در اتحادیه مطرح شد که در نهایت در سال ۲۰۱۳ با پیروزی حزب محافظه کار به رهبری دیوید کامرون این مسئله با درایت بیشتری دنبال شد. مسئله بحران مهاجران، طرفداران خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و ناآرامی های اقتصادی در سال ۲۰۱۵ این نگرش را ایجاد کرد که برای بازنگری مجدد روابط انگلیس و اتحادیه اروپا باید فراندوم برگزار شود. در ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶ در همه پرسی که در انگلستان انجام شد بیش از ۱۷ میلیون نفر رأی به ترک این کشور از اتحادیه اروپا دادند. (۴) باز دوباره طرح پیشنهادی دولت انگلیس. در نوامبر ۲۰۱۸، مبنی بر توافقنامه خروج بریتانیا و پیش نویس اعلامیه سیاسی، که بین دولت انگلیس و اتحادیه اروپا توافق شده بود، منتشر شد. در تاریخ ۱۵ ژانویه ۲۰۱۹، مجلس عوام در مخالفت با این توافق، با اختلاف فاحش ۴۳۲ به ۲۰۲ رأی داد، که بزرگترین شکست پارلمانی دولت انگلیس در تاریخ این کشور به شمار می رود. اروپا، ایالات متحده را متهم به دخالت در امور خود می داند و معتقد است که ایالات متحده بعد از خروج از برجام سعی بر این دارد تا اروپا را با سیاست های خود همراه سازد (ادینگتون<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۹). در این مسئله اتفاق نظر وجود دارد که یکی از دلایل اصلی موفقیت کارزار خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، تضعیف موقعیت گروه های مرجع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در انگلستان بوده است، زیرا در شرایطی که تقریباً تمامی احزاب اصلی و سنتی، هنرمندان، دانشمندان و کارشناسان اقتصادی از مردم درخواست کرده بودند که رأی به ادامه حضور انگلستان در اتحادیه اروپا بدهند، اکثر مردم راه دیگری را برگزیدند. به نظر می رسد کاهش مراجعه مردم به مراجع سنتی کسب تحلیل و تصمیم گیری، یکی از دلایل گسترش گرایش های پوپولیستی در سراسر قاره اروپا و همچنین در آمریکایی باشد که ترامپ نماینده آن است. در واقع نقطه اشتراک مهم کارزار خروج و کارزار انتخاباتی ترامپ در این بوده است که هر دو متکی بر بی اعتمادی قابل توجه مردم از نهادها و سیاستمداران ارشدی بودند که نمی دانند چه چیزی برای مردم بهتر است. کمپین خروج در این چارچوب، بر ناکارآمدی، فساد و ناآگاهی نهادهای اتحادیه اروپا تأکید می کرد. (ناوارو<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۸)

### ۳-۸-۵- شکاف در اتحاد دو سوی آتلانتیک

شکاف در اتحاد دو سوی آتلانتیک از زمانی آغاز شد که ترامپ به عنوان ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا و امانوئل مکرون به عنوان ریاست جمهوری دولت فرانسه انتخاب شدند. امانوئل مکرون معتقد بود که اتحادیه اروپا باید سیاستی مستقل از ایالات متحده داشته باشد چرا که ایالات متحده دیگر توانایی حمایت از اروپا را ندارد و بر این اساس، باید ارتش مستقل اروپایی تشکیل دهد. اروپا، ایالات متحده را متهم به دخالت در امور خود می داند و معتقد است که ایالات متحده بعد از خروج از برجام سعی بر این دارد تا اروپا را با سیاست های خود همراه سازد. به طوری که دولت ترامپ وعده داده بود که بسیاری از شرکت های اروپایی را که تحریم های ضد ایرانی را نادیده بگیرند، مورد تحریم قرار دهد. مسئله مورد اختلاف دیگر بین اروپا و آمریکا، بحران های غرب آسیا و موضع گیری متفاوت در مورد ایران است. دولت ترامپ با اعمال فشار بر

<sup>15</sup> EDINGTON, 2011

<sup>۱۶</sup> جامعه شناس اسپانیایی و استاد سیاست عمومی در دانشگاه جان هاپکینز در ایالات متحده و استاد علوم سیاسی در دانشگاه پومپو فابرا در

اسپانیا

ایران، تغییر رژیم ایران را خواهان است این در حالی است که در میان خود اروپاییان نسبت به این موضع اختلاف نظرهایی وجود دارد. اختلاف دیگر بین اروپا و آمریکا مربوط به مسائل اقتصادی و تعرفه های سنگینی است که آمریکا برای واردات فولاد از اروپا در نظر گرفته است. باید دانست این اختلافات که ناشی از فشارها و زیاده خواهی های آمریکاست منجر به انزوایی آن می شود و عرصه را برای خود آنها تنگ تر می سازد. اختلاف دیگر، تصمیم دونالد ترامپ برای شناسایی بیت المقدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی و انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به این شهر بود، در حالی که اعضای اتحادیه اروپا مخالف این تصمیم هستند.

#### ۵-۸-۵- تقویت مدل حکمرانی مبتنی بر دموکراسی حاکمیت با رهبری آمریکا با هدف تضعیف اتحادیه اروپا

آمریکا به اتحادیه اروپا بیشتر به چشم یک رقیب اقتصادی و سیاسی می نگرد تا یک متحد استراتژیک به خصوص این امر در رفتار آمریکا در دوره زمامداری ترامپ بیشتر مشهود است. مدل حکمرانی دموکراسی حاکمیتی که مبتنی بر کنشگری قدرتمندتر دولت در برابر جامعه مدنی است، در تعدادی از کشورهای اروپای شرقی از جمله در لهستان و مجارستان مورد توجه قرار گرفته است. این نکته از آنجا اهمیت می یابد که این مدل به عنوان رقیب مدل حکمرانی منطبق با هنجارهای اتحادیه اروپا یعنی دموکراسی لیبرال، همواره با انتقاد نهادهای اتحادیه اروپا مواجه شده است. به نظر می رسد قدرت یابی ترامپ در کاخ سفید با توجه به ارتباطات راهبردی این کشور با کشورهای اروپای شرقی که از آنها تحت عنوان اروپای جدید نام برده می شود، از سطح فشار آمریکا برای پیشبرد انگاره های لیبرال دموکراسی در این کشورها خواهد کاست. به عنوان مثال ترامپ در یکی از مصاحبه های خود به این نکته اشاره کرده است که او کشورهای متحد اقتدارگرای آمریکا از جمله ترکیه را به دلیل سرکوب آزادی های مدنی تحت فشار قرار نخواهد داد.<sup>۱۷</sup>

#### ۵-۸-۶- فرسایش دموکراسی

بنا بر اعلام واحد اطلاعات اکونومیست (EIU) وابسته به گروه اکونومیست بریتانیا، شاخص دموکراسی در اروپا بیش از هر جای دیگری در جهان کاهش یافته است. این مرکز مشاوره و آینده نگری در آخرین گزارش خود تحت عنوان «شاخص دموکراسی در سال ۲۰۱۸ میلادی» اعلام کرد که دموکراسی بویژه در غرب اروپا دچار اختلال شده و شاخص دموکراسی در دولتهای دموکرات این منطقه برای سومین سال پیاپی کاهش یافته است. شاخص دموکراسی در اروپای شرقی نیز حتی با وجود بهبود کمی که در سال ۲۰۱۸ میلادی دیده شد، همچنان در وخیم ترین وضعیت خود از سال ۲۰۰۶ میلادی به این سو است؛ یعنی از سالی که واحد اطلاعات اکونومیست آمارگیری در این موضوع را شروع کرد. با وجود ضعف وضعیت دموکراسی در کل قاره اروپا، برخی از کشورهای این قاره همچنان در صدر کشورهایی با بیشترین نرخ دموکراسی در سراسر جهان قرار دارند. نروژ در صدر جدول ۱۰ کشور دموکراتیک جهان است و پس از این کشور نیز ایسلند و سوئد دیده می شوند. در رتبه بندی واحد اطلاعات اکونومیست نام کشورهای زیادی در خصوص کاهش شاخص دموکراسی دیده می شود از جمله اتریش، گرجستان، مجارستان؛ اما بیشترین افت را می توان در ایتالیا دید. افت شاخص دموکراسی در کشورهای اروپایی باعث قدرت گیری احزاب ضدساختار و احزاب افراطی چه چپ و چه راست شده است. افت شاخص دموکراسی در کشورهای اروپایی باعث قدرت گیری احزاب ضدساختار و احزاب افراطی چه چپ و چه راست شده است. در میان کشورهای عضو این اتحادیه، سوئد دارای بالاترین رتبه است. این کشور رتبه سوم دموکرات ترین کشور جهان را نیز دارد. پایین ترین رتبه نیز به رومانی تعلق دارد و کرواسی با اندکی تفاوت در بالای آن است. اما کدام کشورهای اروپایی بیشتر در معرض خطرند؟ به گفته فیونا مکی کشورهای بسیاری را باید مدنظر داشت. از نظر او «باید به فعالیت احزاب عوام گرا در سوئد و اسپانیا همچنین به فعالیتهای دولت جدید ایتالیا توجه کرد. باید انتخابات پارلمان اروپا را نیز از نزدیک زیر نظر داشت تا بتوان وضعیت فعالیت احزاب عوام گرا در سراسر منطقه را ترسیم کرد».<sup>۱۸</sup>

#### ۵-۸-۷- فساد در اتحادیه اروپا:

<sup>17</sup> SOURCE: NEW YORK TIMES, 21/07/2016

<sup>18</sup> SOURCE: Economist Intelligence Unit REPORT 2019

فساد برای جوامع عواقب منفی زیادی به همراه دارد، از جمله آنها هزینه های بالای اقتصادی و اجتماعی است. با این حال، تعریف یا اندازه گیری این پدیده دشوار است. علیرغم محدودیت های مختلف، شاخص های مبتنی بر درک شهروندان و کارشناسان از فساد به ابزاری گسترده برای اندازه گیری تبدیل شده اند (Paolo Mauro, 1997). بنابر گزارش مرکز اطلاع رسانی اتحادیه اروپا، فساد اقتصادی، در تمامی کشورهای عضو اتحادیه اثرگذار بوده و فقط در سال ۲۰۱۴ حدود ۱۲۰ میلیارد یورو فساد مالی در این سیستم وجود داشته است. این رقم آنقدر سنگین است که موجب بی اعتمادی بسیاری از مردم نسبت به این سیستم شده، شاید یکی از دلایل خروج مردم انگلستان و عدم تمایل به اتحادیه اروپا همین فسادهای مالی باشد. فسادهای مالی و برخی ناکارآمدی ها کار را به جایی رسانده که ۷۰ درصد مردم اروپا دیگر اعتمادی به این اتحادیه نداشته باشند و معتقد باشند فساد بصورت فراگیر در تمامی نهادهای اقتصادی و سیاسی و شرکت های وابسته به این اتحادیه وجود داشته و این امر را مانعی بزرگ برای پیشرفت کشورهای خودشان بدانند. و بیش از نیمی از اروپایی های فکر می کنند سطح فساد در کشورشان در سه سال گذشته افزایش یافته است (BAKOWSKI&VORONA, ۲۰۱۹, ۵). به طور کلی اتحادیه اروپا اگر نتواند به مرور زمان چالش ها را مدیریت کند، تغییرات قابل توجه در موازنه داخلی اتحادیه اروپا در سطح دولت-ملت ها و یا در سطح نهادهای اروپایی صورت خواهد گرفت.

#### ۹-۵- موانع ساختاری و غیرساختاری اتحادیه اروپا در حل چالش ها

به طور خلاصه اتحادیه اروپا در حل مشکلات با یک سری موانع ساختاری و غیرساختاری روبه روست که عبارتند از:

- ۱- افزایش شکاف اقتصادی و بحران مالی و رشد روند واگرایی در حوزه یورو و اتحادیه اروپا
- ۲- شکاف بین کشورهای بزرگ و کوچک اتحادیه
- ۳- شکاف بین اروپاگرایان و طرفداران آمریکا در بین اعضای اتحادیه
- ۴- تضادهای درون ملی و یا قومیتی در بین اعضای اتحادیه
- ۵- افزایش بیکاری، گسترش ناآرامی های اجتماعی و خطر سقوط زود هنگام دولت ها در برخی کشورهای عضو اتحادیه (مثل یونان، ایرلند، پرتغال، اسپانیا و ایتالیا)
- ۶- درگیری ها میان طرفداران و مخالفان برنامه های ریاضت اقتصادی
- ۷- مفرد عمل کردن کشورهای اتحادیه به سبب رقابت در پیگیری منافع خود
- ۸- عدم یا پیچیدگی بالای توافق سیاسی در پیدا کردن راه حل چالش ها
- ۹- نادیده گرفتن مشکلات کشورهای ضعیف حاشیه ای اروپا توسط کشورهای قدرتمند شمالی اتحادیه اروپا
- ۱۰- «بحران مشروعیت» نظام حکمرانی فراملی اروپایی (عدم توافق بین کشورهای قدرتمند اروپایی در بحث حکمرانی به دلیل شکاف بین شمال و جنوب و شکاف بین شرق و غرب اروپا)
- ۱۱- تضاد محسوس با مسلمانان مهاجر به دلیل حاکمیت مسیحیت
- ۱۲- فاصله گیری از روحیه ماجراجویانه پس از جنگ های جهانی که در شرایط فعلی روند معکوس به خود گرفته است.
- ۱۳- نگرانی های امنیتی و مشکلات ناشی از ظهور تروریسم در اروپا
- ۱۴- عدم اعتماد شهروندان اتحادیه به سیاست های درون اتحادیه
- ۱۵- تحت فشار قرار دادن اروپا توسط ایالات متحده آمریکا
- ۱۶- تنش بر سر اروپای فدرالی یا اروپای میان دولتی
- ۱۷- وجود رهیافت های متفاوت در تصمیم گیری اتحادیه اروپا به دلیل نبود قانون اساسی واحد در اتحادیه
- ۱۸- عدم رعایت مقررات و استانداردهای لازم مندرج در پیمان ماستریخت توسط برخی از کشورهای عضو اتحادیه پولی اروپا.
- ۱۹- بی تفاوتی سیاسی شهروندان اروپا
- ۲۰- انتخاب روسای جدید نهادهای اروپا در سال ۲۰۱۹، نشانه ای از چالش تعادل بخشی در اروپا

#### ۱۰-۵- تاثیر چالش ها بر سیاست خارجی اتحادیه اروپا

چالش های یاد شده قطعاً بر سیاست خارجی یا روابط خارجی اتحادیه تاثیرگذار خواهد بود. اتحادیه اروپا اگر نتواند به مرور زمان چالش ها را مدیریت کند، تغییرات قابل توجه در موازنه داخلی اتحادیه اروپا در سطح دولت-ملت ها و یا در سطح

نهادهای اروپایی صورت خواهد گرفت. این رویه موجب دشوار شدن سیستم حکمرانی اکثریت در پارلمان می شود. آنگاه شاهد رویه های متفاوت توسط دولت ها در سیاست خارجی اتحادیه هستیم که در طول زمان منزوی و درون گرا می شود و در حوزه سیاست خارجی نیز به بازیگری کم اثرگذار تبدیل خواهد شد. مهاجرت غیراروپاییان که بعضاً از منطقه غرب آسیا هستند سبب شده تا سیاست خارجی اتحادیه در ابتدا برای حل بحران مهاجران ابتدا نسبت به حل بحران منطقه غرب آسیا که درگیر نیروهای تکفیری است موضع مشخص تری دنبال کند. در غیر این صورت اقدامات و رفتارهای بیگانه‌ستیز در اروپا تشدید می یابد، که خود این مسئله می‌تواند باعث تقویت گروه‌های اسلامی افراطی نیز شود. در این شرایط سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا در مواجهه با بحران ها از بالندگی لازم برخوردار نخواهد بود و دول اروپایی از روندهای ملی بیش از گرایش های فراملی تبعیت می کنند. از طرف دیگر، بروز اختلاف و مناقشه بین اروپا و ایالات متحده در زمان ترامپ، سبب شده علی رغم، دهه های گذشته که روابط بین آنها از عمق بیشتر برخوردار بود، به فاصله گرفتن اتحادیه اروپا از آمریکا تبدیل گردد. در این شرایط اتحادیه برای رفع مشکلات و چالش ها باید به همکاری های فرآتلانتیکی رو بیاورد تا با دیگر دولت ها و نهادهای بین المللی (با تکیه بر منافع نه ارزش ها) همکاری داشته باشد.

## ۶- نتیجه گیری:

علیرغم تلاش اتحادیه اروپا برای ایجاد همبستگی بین کشورهای عضو بدلیل مشکلات و بحران های اقتصادی، تفاوت های فرهنگی کشورهای عضو، این اتحادیه با چالشهای جدی روبرو شده است. با توجه به چالش هایی که اتحادیه اروپا با آن روبه رو شده است. مهمترین مسأله ای که برای حل این چالش ها بیش از همه مورد توجه است، حل شیوه حکمرانی در سراسر اتحادیه اروپاست. قطعاً حل این مسأله تأثیر به سزایی در مدیریت چالش ها و سرنوشت آینده اتحادیه اروپا دارد. کاهش سرعت رشد اقتصادی اتحادیه اروپا، اوضاع را وخیم تر می سازد و همین امر موجب اعتراضات گسترده در اروپا می گردد. در نتیجه قطبش سیاسی و روحیه ملی گرایی و بازگشت به درون در بین کشورهای عضو تقویت می گردد و تلاش برای خودمختاری از اتحادیه بین شهروندان اعضای اتحادیه گسترده می گردد. هر چقدر همگرایی در بین کشورهای اتحادیه تضعیف گردد، به همان میزان حل مشکلات اتحادیه با سختی های بیشتری روبه رو می گردد و حتی نمی توان انتظار همگرایی فرامرزی میان کشورهای عضو را شاهد بود. مسئله احزاب راست ملی گرا هر چقدر که در بین کشورهای اتحادیه تقویت و یا احیا گردد، زمینه مخالفت با اتحادیه و یا فروپاشی آن بیشتر می گردد. از طرف دیگر، تقویت این احزاب به معنای چالش طرفداران تقویت اتحادیه اروپا برای پیشبرد اهداف آتی این اتحادیه در زمینه همگرایی بیشتر سیاسی و امنیتی است. مسئله بعدی مهاجرت و پناهندگی است که اگر حل نشود زمینه ایجاد بحران های سیاسی، امنیتی، اجتماعی و هویتی می شود. هر چند که نمی توان گفت که لزوماً مسئله مهاجرت و پناهندگی منجر به شکل گیری چالش های امنیتی و تروریستی می شود، اما ممکن است که تروریست های تکفیری و داعش در قالب پناهنده وارد اروپا شوند و مشکلات امنیتی را ایجاد کنند. مسئله برگزیت نیز بر آینده اتحادیه اروپا تأثیرگذار خواهد بود. انگلیس به عنوان یک کشور قدرتمند در اتحادیه نقش بسیار مهمی در تجارت و مسائل اقتصادی دارد بر همین اساس، خروج انگلیس از اتحادیه نه تنها (ممکن است) سبب الگویی برای طرفداران خروج از اتحادیه در سایر کشورها شود. بلکه موجب ایجاد یک بلاتکلیفی در بازار اتحادیه می شود که نیاز به تغییر قوانین و مقررات اقتصادی موجود و مذاکره مجدد در رابطه با موافقت نامه های تجاری می شود که این امر هزینه زیادی را برای اتحادیه اروپا در بر خواهد داشت.

## ۷- مراجع

- آرای، وحید، ۱۳۸۸، حکمرانی خوب مشابه آرمان نظارت و ارزیابی گزارش، ش ۶، ص ۴۹.
- پور آقایی، سپیده، ۱۳۸۳، شاخص های حکمرانی به روایت بانک جهانی، گزارش، ش ۱۵۴، ص ۶۲.

- حسین زاده بحرینی، محمد حسین ۱۳۸۳، بررسی تطبیقی نظریه حکمرانی خوب با آموزه ها و سیره حکومت امام علی علیه السلام، دفتر بررسی های اقتصادی، ص ۱۶.
- حق پناه، رضا، فلسفه مندی حکومت از دیدگاه امام علی علیه السلام، پژوهش های اجتماعی اسلامی، ش، ۲۶، ص ۱۹۲-۱۵۸.
- چالش های اروپا برای حفظ برجام»، روزنامه اطلاعات، ۸ تیر ۱۳۹۸، قابل بازیابی در پیوند زیر: <https://www.ettelaat.com> کد خبر ۸۴۷۲۴
- دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی مجموعه مقالات سومین همایش ملی از سلسله همایش های تخصصی چشم انداز حاکمیت و دولت شایسته در ایران ۱۴۰۴، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری، ص ۱۱۵.
- رهنورد، فرج الله، مؤلفه ها و ابعاد مدیریت دولتی مطلوب برای تحقق چشم انداز ۱۴۰۴، گزارش پژوهشی، تهران، مجمع تشخیص مصلحت، کمیته نظام اداری و مدیریت، ۱۳۸۸.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۸۲، اصول سیاست در سیره عملی امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، ش ۷، ۲۵-۴۱، ص ۱۱۷.
- سروش، محلاتی محمد، ۱۳۸۰، اهداف و آرمان های حکومت، قبسات، ش ۲۰ و ۲۱، ز ص ۴۸-۵۶.
- شریف زاده، فتاح، رحمت الله قلی پور، ۱۳۸۲، حکمرانی خوب و نقش دولت، فرهنگ مدیریت، ش ۴، ص ۴۸-۵۶.
- صوفی مجیدپور، مسعود، ۱۳۸۳، نظریه حکمرانی خوب به منزله سیاست توسعه، ماه علوم اجتماعی، ش ۸۷، ص ۱۱-۱۴.
- صباغ کرمانی، مجید و باسزا، مهدی (۱۳۸۸)، «نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه های دولت؛ مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی»، مجله تحقیقات اقتصادی، ۴۴ (۱).
- ظریف، علی (۱۳۹۶). «چالش های فراروی اتحادیه اروپا، بحران مهاجرت»، خبرگزاری صدا و سیما، کد خبر: ۲۰۲۲۶۴۰، قابل بازیابی در پیوند <http://www.iribnews.ir/fa/news/2022640>
- رضی، محمدرضا (۱۳۹۴). «عملکرد کشورهای عضو اتحادیه اروپا در قبال پناهجویان»، ماهنامه پژوهش ملل، دوره اول، شماره یکم.
- محدثی، جواد، ۱۳۷۹، حکومت علوی از نگاه امام خمینی ره، حکومت اسلامی، ش ۱۸، ص ۲۷۹-۲۶۳.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۲، کاوش ها و چالش ها، تحقیق و نگارش، محمد مهدی نادری و سیدابراهیم حسینی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، ص ۸۷.
- میدری، احمد، جعفر خیر خواهان، ۱۳۸۳، حکمرانی خوب بنیان توسعه، دفتر بررسیهای اقتصادی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.
- مهدی زاده، جواد (۱۳۸۶)، فصلنامه ی جستارهای شهرسازی (۱۳۸۶)، شماره ۱۹ و ۲۰، سال ششم، ص ۱۱
- نادری، محمد مهدی، ۱۳۹۰، حکمرانی خوب معرفی و نقدی اجمالی، اسلام و پژوهش های مدیریتی، ش ۱، ص ۶۹-۹۳.
- ناظمی اردکانی، محمد، ۱۳۸۷، حکمرانی خوب بارویکرد اسلامی، علوم انسانی، سال هفدهم، ش ۷۶، ص ۱۰۷-۱۲۸
- نورعلی وند، یاسر (۱۳۹۵). «رشد و قدرت یابی احزاب راست افراطی در اروپا؛ علل و پیامدها»، دیده بان امنیت ملی، شماره ۵۴
- Bąkowski, Piotr; Voronova, Sofija (2019), Prevalence of corruption, and anti-corruption efforts in selected EU Member States : in-depth analysis – Study, Directorate-General for Parliamentary Research Services (European Parliament), EU publications, 2019-07-12

- Diouf, N., Ake, C. and Mazrui A. (1989), Sub-Saharan Africa: From Crisis to Sustainable Growth: A Long-Term Perspective Study, Policy research Working Paper, Washington, DC: World Bank.
- "Greek referendum no vote signals huge challenge to eurozone leaders". the guardian. July 05 2015.
- "The Political Lessons of Syriza's Betrayal in Greece". *World Socialist Web Site. ICFI*.
- <http://www.spiegel.de/international/europe/jean-marie-guehenno-on-european-defense-after-brexit-a-1110352.html>
- [https://ec.europa.eu/home-affairs/what-we-do/policies/organized-crime-and-human-trafficking/corruption/anti-corruption-report\\_en](https://ec.europa.eu/home-affairs/what-we-do/policies/organized-crime-and-human-trafficking/corruption/anti-corruption-report_en)
- <http://www.nytimes.com/2016/07/21/us/politics/donald-trump-issues.html?mtrref=www.nytimes.com>
- <https://www.strategie.gouv.fr/english-articles/responding-europes-political-polarization>
- <https://europarlamentti.info/pe/European-union/organisation-of-the-EU/>
- Kauffman, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. 2006, Governance matters V: Governance indicators for 1996–2005. World Bank.
- Puntam, R. D. (2000). "Bowling alone; America's declining social capital; Inculture and politics. P 223-234